عنصر خطاب در غزل سعدی

محبوبه شمشیرگرها*

چکیده

سعدی استاد مسلم غزل‌سرایی در ادب فارسی است. دل‌نشینی و اثرگذاری کلام او نسبت به غزل شاعران دیگر به عوامل فراوان فرهنگی، زبانی، بیانی، تصویری و... وابسته است. هرچند ظرایف متعدّدی از اشعار سعدی توسط پژوهشگران و منتقدانی نظیر هانری ماسه، غلامحسین یوسفی، علی دشتی، محمود عبادیان، سعید حمیدیان، تقی پورنامداریان، ضیاء موحد و... کشف و ارائه شده، هنوز جزئیاتی از شگردهای سخن‌سرایی او به‌ویژه در غزل باقی مانده که توجه به آن‌ها در پی‌بردن به راز شیرینی سخن و انگیزش خارق‌العادهٔ آن کمک می‌کند. مقالهٔ حاضر به عنصر «خطاب» به‌عنوان عامل مؤثری در این خصوص پرداخته است. مهم‌ترین اثر و نتیجهٔ القای حسّ «حضور» و «خطاب» در شعر برانگیختگی مخاطب است. این مقاله پس از ذکر مقدّماتی دربارهٔ «عنصر خطاب» عوامل مؤثر در تقویت این احساس را در کلام سعدی برشمرده است. در انتها عناصر کلامی «خطاب» در غزل سعدی تحلیل شده است. در این پژوهش از روش اسنادی و تحلیل محتوا بهره‌برداری شده و در قسمت آخر آمار و داده‌هایی از میزان بروز و نحوهٔ توزیع آن‌ها به‌صورت جداول و نمودارهایی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: شعر عاشقانه، بلاغت، خطاب، حضور.

---

* دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس mah.shamshirgarha@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۹ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/٤

فصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۰، شمارهٔ ۷۲، بهار ۱۳۹۱

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

مقدمه

غزل یکی از قالب‌های شعری است که در سیر تطوّر خود توانسته به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه جلوه‌گاه تلاقی ذهن، ضمیر و مظهر ضبط ویژگی‌های روحی و شخصیتی سرایندگان باشد.

سعدی به‌عنوان سرآمد سخنوران ادب فارسی توانسته با بهره‌گیری از شگردهای خاص هنری (زبانی، بیانی، معنایی، تصویری و...) شعری لطیف، عاشقانه و سرشار از احساس و تجربهٔ شخصی بیافریند. چنان‌که می‌دانیم اساساً شعر غنایی به بیان عاطفه و احساس می‌پردازد و غزل عرصهٔ این‌گونه عواطفِ شورانگیز عاشقانه است. هر اندازه شاعر به‌عنوان شخصیتی فردیت‌یافته در این زمینه تواناتر باشد، قدرت او در سرایش غزل و نفوذ سخنش بر مخاطب بیشتر خواهد بود. عاشق‌پیشگی سعدی و تسلط او بر زبان به‌عنوان دو عامل اساسی باعث شده روحیات عاشقانه و تجربیات تغزلی او به‌راحتی در غزل جریان داشته باشد. از جمله عناصری که به‌فراوانی در غزل سعدی موج می‌زند شور محاضره و مخاطبه است. شاعری همچون او که پاک‌باختهٔ عرصهٔ عشق‌آوری و شورانگیزی است تنها به توصیفاتی از یار بسنده نکرده و همواره معشوق را پیش چشم خود مجسّم می‌کند. سعدی در پی این حالت «از او» نمی‌گوید بلکه سراسر «به او» خطاب می‌کند. او بدین منظور با هنرورزی‌های خاص و نیز به‌کارگیری عناصر کلامی صریح که در این مقاله به آن‌ها پرداخته خواهد شد فضایی خطابی را در شعر خود به‌وجود آورده است.

صاحب‌نظران و منتقدانی نظیر هانری ماسه، غلامحسین یوسفی، علی دشتی، محمود عبادیان، سعید حمیدیان، تقی پورنامداریان، ضیاء موحد و... هریک به نحوی تلاش کرده‌اند زوایایی از شیوایی کلام سعدی را بنمایانند؛ با وجود این، تاکنون به عنصر «خطاب» در انگیزانندگی کلام سعدی اشاره نشده است. در این نوشتار سعی بر آن است تا حتی‌الامکان به نقش این عنصر مهم در غزل سعدی پرداخته شود.

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از شیوهٔ تحلیل محتوا است. در قسمت بررسی کمّی ابیات، نتایج حاصل از بررسی و تحلیل آماری عناصرِ خطابی در قالب ارقام، جداول و نمودارها ارائه می‌گردد.

عنصر «خطاب» و اثر آن در قدرت انگیزش کلام

مخاطبه مفهومی مرکب از سه عنصر «مخاطبه‌کننده»، «مخاطبه‌شونده» و «خطاب» است. مخاطبه‌کننده غالباً با هدف ایجاد انگیزش و تحرک در کلام، مخاطبه‌شونده را مورد خطاب قرار می‌دهد. عنصر خطاب زبان نوشتاری را به زبان گفتاری نزدیک می‌کند و این رمز دل‌نشینی کاربرد خطاب در شعر است. در خطاب، همراه با واج‌ها، آواها هم آفریده می‌شوند و این همان است که به شعر طراوت می‌بخشد. میان نشانه‌های زبانی و رسانه‌ای که نشانه‌ها درآن تحقق می‌یابند تمایزاتی وجود دارد؛ چراکه در گفتار، فرآیند انتقال نشانهٔ زبانی از رسانه‌ای به رسانهٔ دیگر زودتر انجام می‌شود. هرچند کنش‌های گفتاری جهان‌شمول از سوی برخی معناشناسان، اِخبار، استفهام و امر دانسته شده و کنش‌های دیگر مختص به قلمرو فرهنگی خاصی پنداشته شده‌اند، می‌توان خطاب را به نحوی در دستهٔ این‌گونه کنش‌ها قرار داد؛ زیرا اگر قرار باشد هر زبان نوشتاری به زبان گفتاری تبدیل شود حتماً «خطاب» دارد (لاینز، ۱۳۸۳: ۳۲۸).

میزان کاربرد عنصر خطاب در آثار ادبی به قالب و نوع و نیز بستر مفهومی آن بستگی دارد. اگر بلاغت را کیفیت مطابقت سخن به‌مقتضای حال بدانیم و مایهٔ اولیه و اصلی شعر غنایی را عاطفه و حسّ سرشار حضور در برابر معشوق در نظر بگیریم، اذعان خواهیم کرد که «خطاب» از عناصر پایه‌ای و شرط لازم غزل و کلام عاشقانهٔ بلیغ است. روشن است این عنصر در غزلیات سعدی که خمیرمایهٔ آن را معاشقه و مغازله تشکیل می‌دهد کاربردی وسیع یافته؛ چراکه «خطاب» در شفاف‌سازی فضای شعر و ایجاد حسّ هیجان و حضور عاشق و معشوق بسیار مؤثر است. خطاب از تمهیداتی است

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

که سعدی برای جلب توجه خواننده و درگیرکردن ذهن او در روند کلام به‌کار می‌گیرد و هدف او از آن تقویت اثرگذاری کلام بر مخاطب بوده است.

ویژگی‌های مؤثر در ایجاد فضای خطابی در غزل سعدی

از مؤلفه‌های ملازم احساسات عاشقانه وجود فضای مخاطبه است. مهم‌ترین مقدمه و زمینهٔ ایجاد این فضا و بروز عناصر خطابی در شعر تقویت احساس حضور هم‌زمان عاشق و معشوق در کنار هم و برداشته‌شدن هرگونه حدّ فاصل بین آن‌هاست؛ تقویت این احساس گاه تا آنجا پیش می‌رود که خواننده را نیز در آن شریک می‌سازد. سعدی برای آنکه فضای خطابی در شعرش ایجاد کند، پیش از ظاهرساختن عناصر کلامی خطاب، فضای غزل خود را در جهت نیل به این مقصود آماده می‌سازد. او حسّ «حضور» را در سراسر شعر خود ایجاد کرده تا جایی که همواره مخاطب را نیز به‌عنوان جزئی از این فضا در این محاضره شریک می‌کند. هرچند اعتقاد بر این است که قدرت شگرف سعدی در سخن‌پردازی ورای تحلیل مختصات شعری است، در ذیل تنها برخی ویژگی‌هایی که به ایجاد حسّ حضور و فضای خطابی در غزلیات او انجامیده یاد می‌شود:

۱. برداشته‌شدن فاصلهٔ زبان با خواننده یا شنونده

در شعر سعدی ـ برخلاف شاعران دیگر ـ همواره به شیوه‌ای هنرمندانه فاصلهٔ زبان با خواننده یا شنونده از میان برداشته شده است. این امر به القای حسّ حضور دائمی و همراهی همه‌جانبهٔ خواننده با شعر و شاعر کمک می‌کند. بسیاری از شاعران دیگر هریک به‌نحوی از جمله بهره‌گیری از خیال و آرایه‌بندی‌های متنوع، استفاده از واژگان صرفاً هنری و شاعرانه و خارج از دایرهٔ رایج و زبان محاوره، خلق تصاویر ذهنی و انتزاعی، عمیق‌شدن در مفاهیم عرفانی و انفسی و... خواننده را در پیچ و خم انتقال از سطح زبانی به سطح بیانی و معنایی کلام گرفتار می‌کنند. در نتیجهٔ گذر از این فواصل،

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

خواننده از درک لذت شیرینی ثانوی بهره‌گیری از فضای حضور و خطاب بازمی‌ماند. اما سعدی با آگاهی وسیع و تسلط کافی به این فنون، همه را در جهت ایجاد فضای نزدیک با معشوق و سپس خواننده به کناری زده و به کمک عوامل زیر مخاطب را در این حس با خود شریک می‌کند.

الف. حسن انتخاب واژگان

یکی از نکات برجستهٔ شعر سعدی که در قلهٔ برجستگی‌های زبانی او قرار می‌گیرد هنرورزی‌های واژگانی اوست. دایرهٔ واژگان او در قیاس با دیگر شاعران غزل‌سرا وسیع و خالی از لغات مهجور و کم‌کاربرد است. ناگفته پیداست استفاده از لغات غریب و نامأنوس تا چه اندازه باعث پرتاب‌شدن ذهن خواننده از فضای دلنشین غزل می‌شود. حسن گزینش و نحوهٔ صحیح کاربرد واژگان در غزل سعدی نتیجهٔ تسلط او به زبان عربی و فارسی، تنوع موضوعات و مضامین، استفاده از فرهنگ عامه و احاطهٔ وسیع او به فرهنگ و ادب ایران و اسلام است.

ب. سادگی و روانی کلام

کلام سعدی آرام و نرم و بدون پیچش لغوی و نحوی پیش می‌رود. سادگی کلام او، علاوه بر انتخاب واژگان از دایرهٔ زبان عام و محاوره، به ترتیب قرارگرفتن اجزای کلام نیز مربوط می‌شود. نحو کلام سعدی را صرفاً اقتضائات شعری او تعیین می‌کند. عاملی که موجب سادگی کلام او شده و در بخش دیگر به آن خواهیم پرداخت، خالی‌بودن شعر او از تصویرپردازی‌های دورودراز و آرایه‌بندی است.

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

ج. غلبه بر وزن و قافیه

از جمله عواملی که به القای حسّ حضور و در پی آن خطاب در سراسر غزلیات سعدی می‌انجامد، انتخاب اوزان مناسب و سرشار از شور و شوق و دارای پتانسیل انگیزشی متناسب با اشعار عاشقانه است. سعدی همچنین هر بیت را با قافیه‌ای به سرانجام می‌رساند که ضمن حفظ سادگی و ترتیب روان کلام، معنا را به‌خوبی به بیت بعد متصل کند؛ بدین‌ترتیب قافیه‌ها مانند حلقهٔ رنگین انتهای هر زنجیره، کل مجموعهٔ زنجیره‌ها را به‌هم وصل می‌کنند و در نهایت حلقه‌ای پر از طنین شور و هیجان به وجود می‌آورند.

هرچند به علت شمول این ویژگی‌ها در همهٔ غزلیات سعدی، ارائهٔ نمونه‌ای از شعر او در این خصوص دشوار است، در ادامه شاهدی از شعر او مبنی بر وجود خصایص فوق‌الذکر ارائه می‌گردد (در ارائهٔ نمونه‌ها جهت پرهیز از تطویل کلام تنها بیت یا ابیات اول غزل ذکر می‌شود).

اتفاقم به سر کوی کسی افتادست — که در آن کوی چو من کُشته بسی افتادست
خبر ما برسانید به مرغان چمن — که هم آواز شما در قفسی افتادست
به دلارام بگو ای نفس باد سحر — کار ما همچو سحر با نفسی افتادست...
(سعدی، ۱۳۸۰: ٤٣١/غ٥٨)

۲. بهره‌گیری از تجارب عمومی و جمعی

علاوه بر قدرت کلام سعدی در همراه‌کردن مخاطب با فضای غزل، موضوع و مضامین شعری نیز در این امر به او کمک می‌کنند. او با شناخت کامل از سرشت هنر می‌داند بهره‌گیری از تجارب عمومی و مشترک انسانی می‌تواند مخاطب را در فضایی محاضره‌ای و مخاطبه‌ای قرار دهد. هرچند مضمون غزل از تجربهٔ احساسی و عاطفی مایه‌گرفته و از این لحاظ خاستگاه فردی دارد، نکته اینجاست که احساس و عاطفهٔ فرد در پیوند با جهان بیرون و افراد دیگر رشد می‌کند. آثار سعدی نیز بیرون از حیطهٔ

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

تجارب بشری نیست؛ لذا خواننده در مواجهه با غزل‌هایی این‌چنین به‌راحتی خود را در فضایی آشنا حاضر می‌بیند.

گرم قبول کنی ور برانی از برِ خویش نگردم از تو وگر خود فداکنم سرِ خویش
تو دانی ار بنوازی و گر بیندازی چنان‌که در دلت آید به رای انور خویش...
(سعدی، همان: ۵۵۵/غ۳٤۱)

۳. تحرک و تنوّع

تحرک و تنوّع در ابیات سعدی بیشتر با تعدّد فعل، گوناگونی زمان و وجه و شخص و نیز چرخش سخن از طریق سلب و ایجاب حاصل می‌شود. او در بیشتر غزلیاتش مطلب را به کمک اصلی بدیهی بازنمایی می‌کند، سپس آن را گام‌به‌گام و بیت به بیت می‌پروراند و به کمک این پرورش موضوع را ملموس می‌سازد. سعدی اندیشه‌هایش را منتزع نگه نمی‌دارد بلکه در قالبی زنده به آن‌ها ارزش هنری و زیباشناختی می‌بخشد. حفظ این روند نوعی توالی یا حرکت اندیشه را در غزل او به‌وجود آورده است. یکسانی وزن در بیت‌ها، همراهی قافیه‌ها، هم‌آوایی و تکرار حروف صدادار و بی‌صدا، تسلسل و توالی متناسب ارکان جمله و کوتاهی آن‌ها، نحو متغیر کلام و از همه مهم‌تر پیوند نحوی و زبانی غزل با جریان موّاج و درون‌مایهٔ آن نمودی زیبا از حرکت در سرتاسر غزلیات سعدی به‌وجود آورده؛ به‌طوری‌که حتی صدای جوی آب، ترنم مرغ، نفس‌های معشوق، سوختن شمع و... در غزل‌های او به گوش می‌رسد (عبادیان، ۱۳۷۲: ۱۲۲).

٤. خاکساری دربرابر معشوق

خاکساری و تسلیم سعدی در برابر معشوق در جای خود به ایجاد فضایی آکنده از حسّ حضور در شعر یاری رسانده است. ابراز نیاز حقیقی معشوق به عاشق در غزلیات سعدی را تنها به برشمردن نیکویی‌های معشوق از راه دور راضی نمی‌کند؛ بلکه چنان است که او همواره تصویر عاشقی را درمقابل چشمان خواننده ترسیم می‌کند که با

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

اشتیاق وافر در مقابل معشوق زیبارو نشسته و از سویدای دل او را می‌خواند. برای نمونه ابتدا تا انتهای غزل چهارده‌بیتی زیر سرشار از این اشتیاق است:

آن را که غمی چون غم من نیست چه داند — کز شوق توام دیده چه شب می‌گذراند
وقت است گر از پای درآیم که همه عمر — باری نکشیدم که به هجران تو ماند
سوز دل یعقوب ستمدیده ز من پرس — که اندوه دل سوختگان سوخته داند...

(سعدی، همان: ٤٩٩/غ٢١٧)

۵. سنت‌های نمایشی

در میان قالب‌های شعری رایج در پیشینهٔ ادب فارسی، می‌توان از مثنوی به‌عنوان قالبی نام برد که شاعران در آن از مایه‌های تصویری مشخصی نظیر توصیف و تجسم به‌خوبی بهره گرفته‌اند؛ اما در غزل کمتر به این جهات پرداخته شده است. از این نظر غزل سعدی تا حدود زیادی با غزل شاعران دیگر متفاوت است. سعدی در پی ایجاد بستر حضور و خطاب به برجسته‌سازی عناصری دست می‌زند که می‌توان از مجموع آن‌ها به «سنت‌های نمایشی» تعبیر کرد. این عوامل به همراه ویژگی‌های دیگری که یاد شد، شعر سعدی را به نوعی شعر زنده، پویا، تجسّمی و نهایتاً نمایشی تبدیل کرده است. این عوامل عبارت‌اند از:

الف. اصل تجسم و حس‌انگیزی

یکی از ویژگی‌های مؤثّر در تجسّم و ترسیم در غزل سعدی نوعی «وقوع‌گویی» است که پس از سدهٔ نهم مکتبی را در غزل به نام «وقوع» پدید آورد. این نوع شعر به‌دلیل سادگی بیان و برخورداری از جنبهٔ تجسمی نیرومند می‌تواند به تقویت حسّ حضور در شعر کمک کند. «وقوع» شیوه‌ای از توصیف شاعرانه است که وقایع و احوال میان عاشق و معشوق و کنش‌ها و واکنش‌های دو طرف را به صورتی بیان می‌کند که گویی پیش چشم خواننده در جریان است. سعدی از نظر کمیت و کیفیت چنین ابیاتی در میان شاعران قبل و هم‌دورهٔ خود بی‌نظیر است. چراکه او اهل توصیفات و مفاهیم ذهنی

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

نیست بلکه مرد تجسم زنده و ملموس است. اندیشه‌های گوناگون تصویرشده در غزل سعدی در خدمت تجسم و فهماندن مطلب شاعر است. قریحهٔ شاداب او می‌تواند هر احساس ارزنده را به زبان و تصویر هنری بپروراند، اندیشه‌های مجرد را صیقل بخشد و در قالب مفاهیمی محسوس ارائه دهد. در واقع غزل سعدی فرآیندی است که در بستر خود حرکت می‌کند و به تشخص می‌گراید (حمیدیان، ۱۳۸٤: ۳۲۳). سعدی زیبایی را با صفاتش وصف نمی‌کند بلکه آثار و نتایج آن را به تصویر می‌کشد. برای مثال، عطر و بو از بالاترین جایگاه‌ها در اندیشهٔ سعدی برخوردارند. تصاویر دیداری و بویایی و نیز موتیف‌های متشکل از نقش و رنگ و طعم در جهت عینیت بخشیدن و تشخّص دادن به شعر سعدی در غزلیات او موج می‌زنند. ظهور این ویژگی در تمام ابیات این غزل به چشم می‌خورد:

چه لطیف است قبا بر تن چون سرو روانت — آه اگر چون کمرم دست رسیدی به میانت
گر تو خواهی که یکی را سخن تلخ بگویی — سخن تلخ نباشد چو برآید به دهانت...
(سعدی، همان: ٤٧٠/غ١٤٩)

ب. توجه به عینیت و جلوه‌های آفاقی در مقابل ذهنیت و جلوه‌های انفسی

سعدی شاعر آفاق است. در عالم هنر آنچه هنرآفرین است چیزی جز جنبهٔ آفاقی و نگریستن به جهان محسوس نیست؛ حتی شاعران درون‌گرا نیز برای بیان مقاصد خود ناگزیر از بازگویی مظاهری از زیبایی‌های انفسی بوده‌اند. در اساس، بهانهٔ آنان‌که معشوق سعدی را مجازی دانسته‌اند همین توجه او به جلوه‌های محسوس است؛ چراکه هرچند عارفانه‌سرایی ناگزیر از بهره‌گیری از مفاهیم دنیای مادی و محسوس برای بیان معانی مجرد و ناچار از نظیره‌سازی میان این دو است، در غزلِ عارفانهٔ سعدی نوعی ویژه از پیوند آگاهانه میان معشوق پیکرین و معشوق مجرد و فراانسان و رفت و برگشتی متناوب در هر غزل از این به آن است که سبب شده دیگران آن را صرفاً عاشقانه و معشوق را مجازی بپندارند (حمیدیان، ۱۳۸٤: ۲۳۸). نکتهٔ ظریف آنکه بعید

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

نیست ذکر مظاهر مادی محسوسات در غزل‌های سعدی به قصد ایجاد حسّ «حضور» انجام شده باشد و سعدی عمداً و برای تداعی ذهنیت به حضور در غزل و دورشدن ذهن خواننده از لاتعین و انفس به سمت تعین و آفاق، از تعیناتی همانند مکان و زمان یاد می‌کند تا به خواننده القا کند که شعر در همین فضای زمینی سروده شده است. مثلاً در غزل ده‌بیتی‌ای که مطلع آن آمده، جلوه‌های آفاقی فراوان نظیر روز،آفتاب، خیمه، ابر بهاری، چمن، باغ، بیابان، شیر، دهان، پنجه و... نام برده شده است:

روز برآمد بلند ای پسر هوشمند گرم ببود آفتاب خیمه به رویش ببند...

(سعدی، همان: ٤٩٩/غ٢١٦)

ج. شخصیت‌پردازی

علاوه بر موارد یادشده، فنون مختلفی نیز که سعدی در جهت «شخصیت‌پردازی» به‌کار می‌گیرد به تقویت فضای حضور و برجسته‌سازی آن کمک می‌کند. خواننده در طول غزلیات همواره با دو شخصیت حاضر در غزل مواجه است. از طرفی سعدی عاشق پیوسته با به‌کار بردن ضمایر اول‌شخص «من» و «م» و فعل‌های مکرّر اول‌شخص حضور خود را یادآور می‌شود و از طرف دیگر معشوق که سعدی در مواجهه با او دائماً از شگردهای خاص شخصیت‌پردازی بهره می‌گیرد. در غزل زیر نمونه‌هایی از این هنرورزی به‌کار رفته است:

ای برق اگر به گوشهٔ آن بام بگذری آنجا که باد زهره ندارد خبر بری

ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم پیغام دوستی برسانی بدان پری...

(همان: ٦٤٧/غ٥٤٣)

۶. غزل؛ نمودی از یک شبکه

در غزل معمولاً به بیش از یک موضوع پرداخته می‌شود. روش سرایش غزل در شعر استادانی نظیر حافظ، سنایی، خواجو و... آن است که هر بیت را به مفهومی جداگانه اختصاص می‌دهند؛ در شعر آنان هر بیت جدید به معنای یک تصویر جدید است. اما

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

سعدی تا حد زیادی از این ویژگی عام غزل‌سرایان به دور است؛ به‌طوری‌که یکی از مشخّصات بارز غزل‌های او تک‌موضوعی بودن آن‌هاست. سعدی به‌خوبی از این ویژگی به‌عنوان مؤلفه‌ای برای ایجاد فضای حضور در شعر خود استفاده‌کرده است؛ چراکه غزلی که وحدت معنایی نداشته باشد تمرکز خواننده یا شنونده در یک فضا و ذهنیت را مختل‌کرده و از طریق حرکت‌دادن خواننده در محور عمودی (عمق بخشیدن به معناهای درونی و انفسی) و افقی (پرداختن به موضوعات متفاوت در ابیات گوناگون) تمرکززدایی می‌کند (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۸٤).

در شعر او هر غزل اندیشه‌ای را بازنمایی می‌کند. مجموعه‌ای از اندیشه‌های تصویرشده، هریک با تصویری مستقل ـ در همان حال ـ به‌عنوان جزئی از کل، کلّیتی را به بار می‌آورد که حاصل آن ابیات دیگر است. موضوع که معمولاً به‌صورت یک اصل با بیت نخست آغاز می‌شود در بیت‌های بعدی تشخّص هنری می‌یابد و در سراسر غزل به صورت شبکه‌ای درهم‌تنیده پخش‌می‌شود. در غزل زیر با مطلع ذکرشده، مفهوم واحد تحمل دشواری‌های عشق‌ورزی از سوی معشوق وجود دارد:

من از تو روی نپیچم گرم بیازاری که خوش بود ز عزیزان تحمل خواری...

(سعدی، همان: ٦٥٧/غ٥٦٥)

۷. کوتاه‌بودن فاصلهٔ صورت و محتوا

فاصلهٔ صورت و محتوا در شعر سعدی معمولاً بسیار کوتاه‌تر از شاعران دیگری نظیر حافظ است. در نتیجه، درک و التذاذ هنری از غزل‌های او زودتر حاصل می‌شود. هرچند گفته می‌شود طولانی بودن مسیر درک و فهم معنای شعر موجبات التذاذ هنری عمیق‌تر را فراهم می‌کند، بایدگفت در شعر سعدی خلاف این نظریه ثابت می‌شود. در غزل سعدی با عبور از دو سطح معنایی می‌توان از صورت غزل به چیزی در مایهٔ پیام آن رسید. سطح نخست همان سطح زبانی است که طبق توضیحات قبل در شعر سعدی فاصله‌ای ایجاد نمی‌کند. در این سطح از رهگذر سطح معناشناسی زبان به ساختی از

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

معنای متن می‌رسیم که طبق قواعد معنایی همان نظام در نظر گرفته شده است. اما در غزل دیگران امکان ندارد تنها با عبور از دو سطح معنایی یادشده به پیام غزل رسید و لزوماً باید فواصل بیشتری طی شود. در این اشعار پس از گذشت از معنای دوم پیام درک نمی‌شود بلکه باید از سطح ادبی هم فراتر رفت و به کمک امکانات موجود در نظام‌ها و شیوه‌های تحلیل به معنا راه یافت (حق‌شناس، ۱۳۸٦: ۱۰۹). می‌توان از کوتاهی فاصلهٔ صورت و معنا، به نحوی عامیانه‌تر، به «شفافیت» تعبیر کرد.

کسی که روی تو بیند به کس نگه نکند ز عشق سیر نباشد ز عیش بس نکند
درین روش که تویی پیش هر که بازآیی گرش به تیغ زنی روی بازپس نکند...
(سعدی، همان: ۵۰۹/غ۲۳۹)

۸. نوع خاصی از تخیل و تصویرپردازی

درباب تخیل و نحوهٔ تصویرپردازی سعدی سخن فراوان گفته شده است. ما در این مقال کوتاه به قسمتی از آن خواهیم پرداخت که با بحث اصلی پیوند دارد. چنان‌که گفتیم، سعدی با زبانی ساده و نیز با بهره‌گیری از دایرهٔ امکانات زبانی، بیانی و فرهنگی از آرایه‌بندی‌ها و تصویرپردازی‌های شاعرانه‌ای که اصلی‌ترین مایه در خلق شعر دیگران است دوری می‌جوید. سخن‌گفتن مستقیم و بدون آویزش به آرایه‌های ادبی، توانایی‌هایی می‌طلبد که جز در شاعری پخته مانند سعدی یافت نمی‌شود. تصویرپردازی هدف سعدی نیست بلکه منظور او بیان تجسّمی اندیشه‌هاست. او برای تقویت احساس تجسّم، با مهار زبان، به خلق نوعی تصویر دست زده که اصطلاحاً به آن «تصویر گفتاری» اطلاق می‌شود (موحد، ۱۳۸۱: ۱۵۵). او از طریق تصاویر گفتاری به اندیشه قطعیت و تشخّص می‌بخشد. از همین رو با تمام چیرگی به حداقل صنایع اکتفا کرده و بیشتر به آرایه‌هایی توجه دارد که به یادآوری معانی ضمنی کلام کمک می‌کند. بیشترین آرایه‌های غزل سعدی را تناسب، مراعات نظیر و جناس تشکیل می‌دهند که به تداعی در غزل یاری می‌رسانند و ذهن را از پیچ‌وتاب‌های تخیل و

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

فرافکنی دور می‌کنند؛ حتی آنجا که به تشبیه و استعاره نظر دارد تشبیهات مأنوس، استعاره‌های گذرا، ترکیبات نرم و به دور از پیچیدگی را در شعر خود فرا می‌خواند.

هر چه در روی تو گویند به زیبایی هست — و آنچه درچشم تو از شوخی و رعنایی هست
سروها دیدم در باغ و تأمل کردم — قامتی نیست که چون تو به دلارایی هست
ای که مانند تو بلبل به سخندانی نیست — نتوان گفت که طوطی به شکرخایی هست...

(سعدی، همان: ٤٥٤/غ ١١٠)

تحلیل عناصر کلامی خطاب در غزل سعدی

در ابتدای ورود به بحث تحلیل عنصر خطاب ضروری دانستیم که ابتدا آماری کمّی از تعداد غزل‌های مورد بررسی ارائه‌کنیم. تعداد غزلیات سعدی، طبق نسخهٔ محمدعلی فروغی، ٦٣٤ غزل است. در این مقاله با ملاک قراردادن روش تحقیق نمونه‌ای برمبنای ۱۰درصد، ٦٣ غزل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. این ٦٣ غزل به صورت اتفاقی از سه قسمت دیوان و هر قسمت ۲۱ غزل (غزل‌های ۳۰ تا ۵۱، ۲۰۰ تا ۲۲۱، ٤٠٠ تا ٤٢١) انتخاب شده است. پیداست نتیجهٔ مطالعهٔ آماری این جامعهٔ نمونه به کلّ غزلیات قابل تعمیم خواهد بود.

بررسی کمّی ابیات

در این بررسی که در جدول ۱ منعکس شده به‌خوبی پیداست بلندترین غزل سعدی از ۱۷ بیت و کوتاه‌ترین غزل او از ۵ بیت تشکیل شده است که نسبت یکسانی از غزل‌های سعدی را به خود اختصاص داده‌اند. غزل‌های ۱۰ بیتی، ۱۱ بیتی و ۷ بیتی به ترتیب بیشترین غزل‌های سعدی برآورد شده‌اند که به ترتیب ۲۵ درصد، ۲۳ درصد و ١٤ درصد از کل غزلیات را تشکیل‌می‌دهند (جدول و نمودار ۱).

نکتهٔ مهم آنکه هرچند در این بررسی کمی، جهت ارائهٔ آمار دقیق‌تر، ستونی به تعداد ابیات غزل‌ها و نهایتاً مجموع ابیات آن اختصاص داده شده، این قسمت از آمار به دلیلی

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

که در قسمت اول این مقاله به آن پرداخته شد از اهمیت چندانی برخوردار نیست. توضیح مختصر آنکه ابیات غزل‌های سعدی برخلاف غزل‌سرایان بزرگ دیگری نظیر حافظ، سنایی، خواجو و... همگی جزئی از یک واحد مفهومی به نام غزل هستند و چنین نیست که بتوان هریک از آن‌ها را جداگانه مورد بررسی حتی آماری قرار داد و نتیجهٔ صحیحی از آن به‌دست آورد. وجه منحصربه‌فرد غزل سعدی آن است که در هنگام هر نوع بررسی و ارائهٔ اطلاعات آماری لازم است پیکرهٔ واحد آن ـ نه تک‌تک ابیات ـ مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین در این تحقیق هرجا سخن از عناصر خطاب است، این عناصر در کل غزل سنجیده و نتایج آن ارائه شده است. تنها اشکال این رویکرد در بررسی غزلیات آن است که گاه پژوهشگر یا خواننده لازم می‌بیند تعداد ابیات خاصی برای یک غزل نمونه قائل شود تا بتواند در ذهن خود ارزیابی دقیقی حاصل کند. برای رفع این مشکل میانگینی از تعداد ابیات غزل‌ها به‌دست آورده و آن را مبنای تصور خود قرار داده‌ایم. میانگین تعداد ابیات غزل‌های سعدی بدین صورت ۱۰ بیت است.

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

جدول ۱. میزان کمی غزل‌ها و ابیات مورد بررسی

تعداد غزل	تعداد ابیات غزل	درصد	مجموع تعداد ابیات غزل‌ها	
۱	۵	۱/۵۸	۵	
۱	٦	۱/۵۸	٦	
۹	۷	۱٤/۲	٦۳	
٤	۸	٦/۳٤	۳۲	
۵	۹	۷/۹۳	٤۵	
۱٦	۱۰	۲۵/۳	۱٦۰۰	
۱۵	۱۱	۲۳/۸	۱٦۵	
۷	۱۲	۱۱/۱	۸٤	
۲	۱۳	۳/۱۷	۲٦	
۲	۱٤	۳/۱۷	۲۸	
۱	۱۷	۱/۵۸	۱۷	
٦۳			٦۳۱	مجموع
میانگین تعداد ابیات غزل =۱۰				

نمودار ۱. توزیع غزلیات، تعداد ابیات و درصد آن‌ها

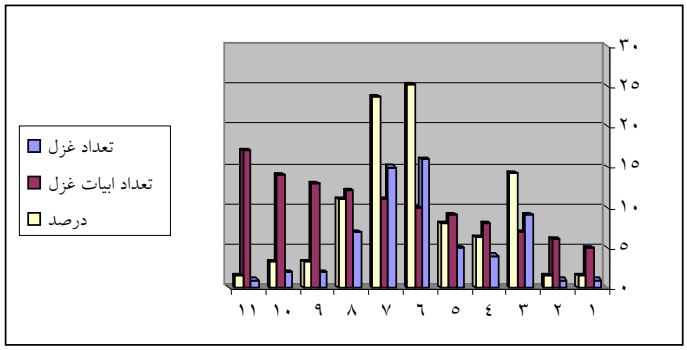

چگونگی توزیع خطاب در پیکرهٔ غزل

همهٔ ٦۳ غزل مورد بررسی به‌نحوی از عناصر خطابی بهره گرفته‌اند و هیچ‌یک از غزل‌های سعدی خالی از خطاب نیست. این نکته‌ای است که می‌تواند برای

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

سعدی‌شناسان و پژوهشگران غزلیات سعدی فتح بابی در جهت شناخت یکی دیگر از جنبه‌های هنرورزی در شعر او باشد.

در این بررسی مشخص شد که سعدی علاقه دارد در بیشتر موارد (۵۷ درصد) سخن خود را با خطاب آغاز کند.گویی از همان ابتدا روی در روی معشوق دارد و سخن را با نظاره در چشمان او می‌آغازد. در این غزلیات خطاب سعدی با معشوق از مطلع آغاز می‌شود و تا پایان ادامه می‌یابد. در ۷/۹۳ درصد غزلیات سعدی پس از آنکه سخن را با وصف حال و دلدادگی خود یا معشوق آغاز می‌کند، تاب نمی‌آورد و از بیت دوم یا سوم روی کلام را به سمت معشوق می‌چرخاند.

البته از این میان درصد کمی از غزلیات یافت می‌شود که تنها یک، دو یا سه بیت آن (غیر از مقطع) از عنصر خطاب برخوردار است که آن هم عمدتاً به دلیل حال و هوای خاص سعدی در فضای غزل است. برای مثال یکی از این غزلیات مورد بررسی کاملاً عارفانه است و سعدی در جایگاه بنده‌ای ناچیز و تسلیم از بزرگی و لطف محبوب می‌گوید و خود را در جایگاهی نمی‌بیند که بتوان فضای غزل را از خطاب پر کرد. در چند غزل دیگر نیز سعدی در مقام عاشقی خاکسار از دوری یار نالان است و درد فراق و گلایه از مهجوری او مجالی برای ایجاد عناصر خطابی باقی نگذاشته است.

نکتهٔ جالب آنکه گاه اتفاق می‌افتد غزل، به دلایلی که ذکر آن رفت، فاقد فضای خطابی و عنصر خطاب است؛ اما ناگهان در انتهای غزل گویی سعدی با چرخش به سمت فضای حضور، از تنها بیت باقی‌مانده و ظرفیت تخلّص آن بهره گرفته و با منادا قراردادن نام خود، از یکی از عنصرهای خطاب استفاده می‌کند. سعدی در ٦ درصد از غزلیات خود این‌چنین فضای خطاب را در بیت آخر بازسازی می‌کند (جدول و نمودار ۲).

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

جدول ۲. چگونگی توزیع عنصر خطاب در غزل‌ها

ردیف	پراکندگی عنصر خطاب	تعداد غزل‌ها	درصد
۱	غزل‌هایی که عناصر خطاب از مطلع تا انتهای غزل وجود دارد.	۳٦	۵۷/۱
۲	غزل‌هایی که پس از مطلع حالت خطابی دارند و تا پایان غزل ادامه دارد.	۵	۷/۹۳
۳	غزل‌هایی که از بیت ۳ به بعد حالت خطابی می‌گیرند و تا پایان ادامه دارد.	۵	۷/۹۳
٤	غزل‌هایی که از بیت ٤ به بعد حالت خطابی دارند.	٤	٦/۳٤
۵	غزل‌هایی که از بیت ۵ (نیمه) به بعد حالت خطابی دارند.	۱	۱/۵۸
٦	غزل‌هایی که تنها ۲ یا ۳ بیت در اول، آخر یا پراکنده حالت خطابی دارند.	٤	٦/۳٤
۷	غزل‌هایی که فقط یک بیت حالت خطابی دارد.	۲	۳/۱۷
۸	غزل‌هایی که فقط در بیت آخر خطاب «سعدی» دارد.	٦	۹/۵۲
مجموع	غزل‌هایی که عنصر خطاب دارند.	٦۳	۱۰۰

نمودار۲. توزیع عنصر خطاب در غزلیات

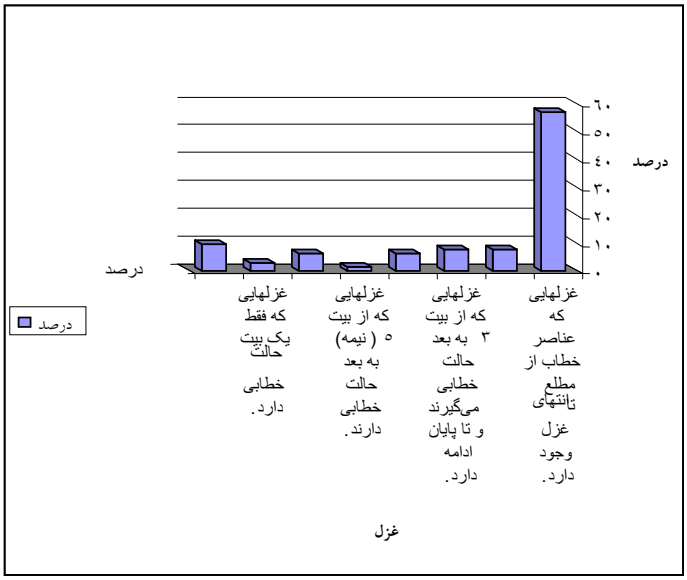

در این بخش به ارائهٔ نمونه‌ای از غزل‌هایی می‌پردازیم که تظاهر خطاب از همان مطلع غزل آغاز شده و تا انتها ادامه می‌یابد:

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

تو را نادیدن از ما غم نباشد — که در خیلت به از ما کم نباشد
من از دست تو در عالم نهم روی — و لیکن چون تو در عالم نباشد
مبادا در جهان دلتنگ رویی — که سرو راست پیشت خم نباشد
من اول روز دانستم که این عهد — که با من می‌کنی محکم نباشد
که دانستم که هرگز سازگاری — پری را با بنی‌آدم نباشد
مکن یارا دلم مجروح مگذار — که هیچم در جهان مرهم نباشد
بیا تا جان شیرین در تو ریزم — که بخل و دوستی با هم نباشد
نخواهم بی‌تو یکدم زندگانی — که طیب عیش بی‌همدم نباشد
نظر گویند سعدی با که داری — که غم با یارگفتن غم نباشد
حدیث دوست با دشمن نگویم — که هرگز مدعی محرم نباشد

(سعدی، همان: ۴۹۳/غ۲۰۳)

در اینجا مثالی از آن دسته غزل‌هایی انتخاب شده است که تمام ابیات غزل ـ صرف‌نظر از یک یا دو بیت ـ از عنصر خطاب برخوردارند. میزان فراوانی این غزل‌ها در ردیف ۱ جدول ۲ آمد. به‌جاست برای هریک از ردیف‌های ۸ گانه از جدول ۲ مثالی آورده شود، لیکن جهت پرهیز از تطویل کلام به ذکر مثالی از غزل‌هایی بسنده می‌کنیم که هرچند از وجود عناصر خطابی در طول غزل بی‌نصیب مانده‌اند، در بیت آخر با بهره‌گیری از تخلص سعدی از فضای خطاب بهره جسته‌اند:

چون من به‌نفس خویشتن این‌کار می‌کنم — بر فعل دیگران به چه انکار می‌کنم
بلبل سماع بر گل بستان همی‌کند — من بر گل شقایق رخسار می‌کنم
هرجا که سرو قامتی و موی دلبریست — خود را بدان کمند گرفتار می‌کنم
گر تیغ برکشند عزیزان به خون من — من همچنان تأمل دیدار می‌کنم
هیچم نماند در همه عالم به‌اتفاق — الّا سری که در قدم یار می‌کنم
آن‌ها که خوانده‌ام همه از یاد من برفت — الّا حدیث دوست که تکرار می‌کنم
چون دست قدرتم به تمنّا نمی‌رسد — صبر از مراد نفس به ناچار می‌کنم
من بعد از این نه زهد فروشم نه معرفت — کان در ضمیر نیست که اظهار می‌کنم

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

جان است و از محبّت جانان دریغ نیست اینم که دست می‌دهد ایثـار مـی‌کـنم
زنـار اگـر ببنـدی سـعدی هـزار بـار به زانکه خرقه بر سـر زنّـار مـی‌کـنم
(سعدی، همان: ۵۹۲/غ۴۲۱)

هرچند با نظر به جدول ۱، نتیجهٔ به‌دست‌آمده از وجود عناصر خطابی در تمام ۱۰۰ درصد غزلیات خواجه حکایت می‌کند، در یک نظر کلی جهت جمع‌بندی، برای آنکه بتوان غزلیات سعدی را به دو دستهٔ خطابی و غیرخطابی تقسیم کرد، در ادامه غزلیاتی را که تنها در یک، دو یا سه بیت آن‌ها عناصر خطاب دیده می‌شوند، خطابی و بقیهٔ آن‌ها را غیرخطابی می‌نامیم. در این قدم فراوانی مجموع غزلیات ردیف‌های ۱، ۲، ۳ و ٤ از جدول ۲ به‌عنوان غزلیات خطابی و مجموع ردیف‌های ۵، ٦، ۷ و ۸ به‌عنوان غزلیات غیرخطابی در جدول و نمودار ۳ به نمایش گذاشته شده است. نتیجه اینکه از بین ٦۳ غزل مورد بررسی، حدود ۷۹ درصد خطابی و ۲۰ درصد غیرخطابی برآورد شدند.

جدول ۳. میزان خطابی و غیرخطابی بودن غزل‌ها

نوع غزل	تعداد غزل	درصد
خطابی	۵۰	۷۹/۳
غیر خطابی	۱۳	۲۰/٦

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

نمودار ۳. توزیع درصد فراوانی غزلیات خطابی و غیرخطابی

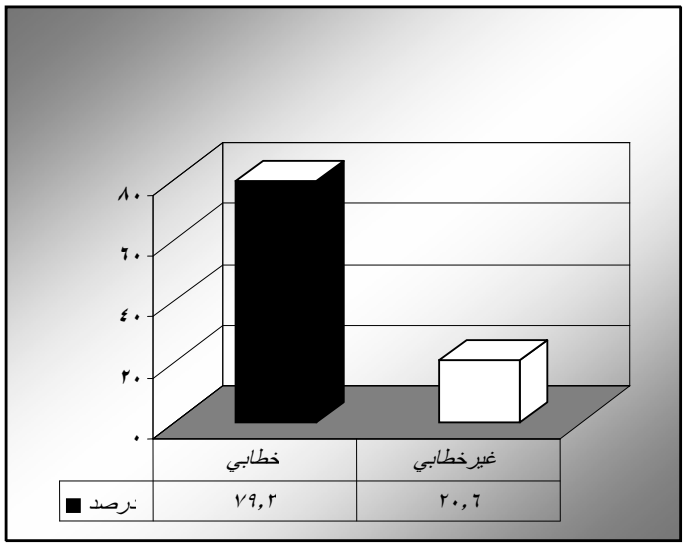

توزیع مخاطب

ممکن است در قدم نخست پرسشی پیش‌آید که اصولاً چرا به این امر در بخشی جداگانه تحت عنوان «توزیع مخاطب» پرداخته می‌شود؟ ناگفته پیداست در غزل‌های عاشقانه مخاطب کسی جز معشوق نیست. البته با نگاهی به جدول ٤ این ادعا ثابت شده که مخاطب سعدی در حدود ۸۲ درصد غزلیات معشوق است. اما سعدی لازم می‌داند گاه برای ایجاد حسّ حضور در غزل، هنگام نام‌بردن از عناصر و اشخاصی غیر از معشوق، آن‌ها را نیز مخاطب قرار دهد؛ چراکه استفاده از قدرت چرخش زبان و کاربرد لحن خطابی (حتی در مواجهه با عواملی دیگر غیر از مخاطب) توان انگیزشی و برجسته‌سازی شعر را دوچندان می‌کند. او در این جهت گاه باد صبا، دل و نفس خود، خواننده یا شنونده و... را مخاطب قرار می‌دهد (جدول و نمودار ٤).

چند بیت زیر از میان غزلیاتی انتخاب شده‌اند که شاعر علاوه بر معشوق دیگرانی را نیز مورد خطاب قرار داده است:

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

آخر ای باد صبا بویی اگر می‌آری سوی شیراز گذر کن که مرا یار آنجاست
(همان: ٤٢٧/غ٤٩/ ب٣)

پارسیان ملالتم نکنید که من از عشق توبه نتوانم
(همان: ٥٩٠/غ٤١٦/ ب٢)

برادران و بزرگان نصیحتم مکنید که اختیار من از دست رفت و تیر از پشت
(همان: ٤٢٣/غ٤٠/ ب١٠)

ای دل نگفتمت که عنان نظر بتاب اکنونت افکند که به دستت لگام شد
(همان: ٤٩٧/غ٢١١/ ب٦)

از من مشنو دوستی گل مگر آنگاه کم پای برهنه خبر از خار نباشد
(همان: ٤٩٣/غ٢٠٢/ ب٨)

جدول ٤. توزیع فراوانی روی خطاب در غزلیات

روی خطاب	تعداد غزل	درصد		درصد
خطاب به معشوق	٥٢	٨٢/٥	صرفاً معشوق ٢٧	٤٢/٨
			معشوق و دیگران: معشوق + خود سعدی ٢٠	٣١/٧
			معشوق + دل ٢	٣/١٧
			معشوق + پارسایان ١	١/٥٨
			معشوق +رقیب ١	١/٥٨
خطاب به غیر معشوق	١١	١٧/٤	خود سعدی + باد صبا ١	١/٥٨
			خود سعدی + دل ١	١/٥٨
			خود سعدی + مخاطب عام ١	١/٥٨
			فقط مخاطب عام ٢	٣/١٧
			فقط خودش ٦	٩/٥٢

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

نمودار ٤. توزیع فراوانی روی خطاب در غزل‌های خطابی

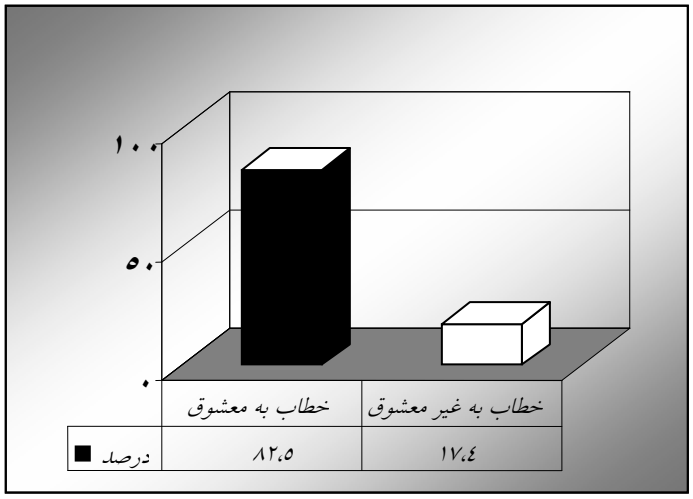

صورت‌های خطابی

ممکن است در نظر اول «خطاب» معادل «ندا» قرار گیرد و این تصور پیش آید که کسی که مورد خطاب قرار می‌گیرد لزوماً باید همراه با یکی از ادات ندا خوانده شود. اما گذشته از صحیح‌نبودن این نظر به‌صورت کلی و در شعر شعرای دیگر، صورت‌های مختلف خطابی موجود در شعر سعدی از خصوصیت ویژه‌ای برخوردار است. قبل از انجام بررسی‌های آماری این پژوهش، این فرضیه متصور بود که سادگی و روانی کلام سعدی و آشنایی او با شیوه‌های به‌کارگیری امکانات مختلف و نیز شگرف بیانی او در غزل، موجب شده که تظاهر فیزیکی عنصر خطاب در آن‌ها تنها ندا و ساخت‌های ندایی نباشد؛ بلکه نرمی و روایی سخن سعدی حل‌شدن عنصرهای خطابی رایج و ملموس زبان عادی را می‌طلبد. این فرضیه پس از انجام پژوهش آماری فعلی به اثبات رسید. سعدی برای بهره‌گیری از ساخت غزل در شعر خود از چهار عنصر فعل، ضمیر، لحن و ندا استفاده کرده که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان از آن‌ها به‌عنوان عناصر ندایی و غیرندایی یاد کرد.

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

سعدی در ٦٩ درصد از غزلیات خود تنها از عناصر سه‌گانهٔ خطابی غیرندایی بهره جسته و تنها در ۳۰ درصد از آن‌ها علاوه بر عناصر فوق (تنها ۱، ۲ یا ۳ مرتبه) از یکی از ساخت‌های ندایی (ای + کلمه + الف و ای + کلمه + الف) در طول تمام غزل استفاده کرده است. چنان‌که گفته شد، این توزیع فراوانی استفاده از ساخت‌های ندایی در مقابل ساخت‌های غیرندایی، با توجه به زبان روان و سرشار از حسّ حضور سعدی، به‌خوبی قابل پیش‌بینی بود (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع فراوانی عناصر خطابی در غزلیات

توزیع عناصر	تعداد غزل	درصد		
غزل‌هایی که در آن‌ها عناصر خطابی غیرندایی به‌کار رفته‌اند.	٤٤	٦٩/٨		
غزل‌هایی که در آن‌ها تنها عناصر خطابی ندایی به‌کار رفته‌اند.	۱۹	۳۰/۱	در سرتاسر غزل فقط ۱ خطاب به‌کار رفته در سراسر غزل فقط ۲ خطاب به‌کار رفته در سرتاسر غزل فقط ۳ خطاب به‌کار رفته	۱٦ ۲ ۱

در زیر از هر دو دسته غزل به ترتیب نمونه‌هایی آورده شده است. ابتدا نمونه‌ای از غزلیاتی که بدون کاربرد ساختار دستوری ندا در آن‌ها مخاطبه صورت‌گرفته است:

کسی که روی تو دیدست حال من داند — که هر که دل به تو پرداخت صبر نتواند
مگر تو روی بپوشی وگرنه ممکن نیست — که آدمی که تو بیند نظر بپوشاند
هر آفریده که چشمش بر آن جمال افتاد — دلش ببخشد و بر جانت آفرین خواند
اگر بدست کند باغبان چنین سروی — چه جای چشمه که بر چشمهات بنشاند
چه روزها به شب آورد جان منتظرم — به بوی آن که شبی با تو روز گرداند
به‌چند حیله شبی در فراق روز کنم — و گر نبینمت آن روز هم به شب ماند
جفا و سلطنتت می‌رسد ولی مپسند — که گر سوار براند پیاده درماند
بدست رحمتم از خاک آستان بردار — که گر بیفکنیم کس به هیچ نستاند
چه حاجت است به‌شمشیر قتل عاشق را — حدیث دوست بگویش که جان برافشاند

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

پیام اهل دل است این خبر که سعدی داد نه هر که گوش کند معنی سخن داند

(سعدی، همان: ۵۰۰/غ۲۱۹)

در زیر نمونه غزلی ارائه شده که گذشته از صورت‌های خطاب معمول سعدی از ساخت ندایی نیز برخوردار است. البته چنان‌که در جدول نشان داده شده، تعداد این غزلیات و تکرار این ساخت دستوری در آن‌ها کم است:

تا کی ای دلبر دل من بار تنهایی کشد ترسم از تنهایی احوالم به‌رسوایی کشد
کی شکیبایی توان کردن چو عقل از دست رفت؟ عاقلی باید که پای اندر شکیبایی کشد
سرو بالای منا گر چون گل آیی در چمن خاک پایت نرگس اندر چشم بینایی کشد
روی تاجیکانه‌ات بنمای تا داغ حبش آسمان بر چهرهٔ ترکان یغمایی کشد
شهدریزی چون دهانت دم به شیرینی زند فتنه انگیزی چو زلفت سر به‌رعنایی کشد
دل نماند بعد از این با کس که گر خود آهن است ساحر چشمت به‌مغناطیس زیبایی کشد
خود هنوزت پستهٔ خندان عقیقین نقطه‌ایست باش تا گردش قضا پرگار معنایی کشد
سعدیا دم درکش ار دیوانه خوانندت که عشق گرچه از صاحبدلی خیزد به‌شیدایی کشد

(همان: ۴۹۶/غ۲۰۹)

بیشترین فراوانی صورت‌های خطاب در شعر سعدی را صورت‌های غیرندایی تشکیل می‌دهد. این صورت‌ها شامل ضمیر منفصل دوم‌شخص مفرد (تو)، ضمیر متصل (ت)، ضمیر و شناسه (ی)، فعل امر و نهی و فعل دوم‌شخص است یا گاه ممکن است تنها لحنِ خطابی، حسّ حضور و خطاب را در غزل ایجاد کند. در این بخش تعداد ابیات ۶۳ غزل مورد نظر و تعداد تکرار کاربرد صورت‌های خطابی به شمارش درآمد. نتیجهٔ این بررسی آماری (جدول ۶ و نمودار ۵) نشان داد که بیشترین صورت خطاب از کاربرد ضمیر «تو» حاصل شده که ۳۳ درصد از کل اشکال خطابی را که در بیت‌ها به‌کار رفته تشکیل می‌دهد. در این بخش نیز مانند بخش قبل صورت‌های ندایی شامل اشکالی در نظر گرفته شده‌اند که همراه با یکی از ادات ندا به‌کار رفته باشند.

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

جدول ٦. توزیع فراوانی عناصر خطابی در ابیات غزل‌ها

نوع خطاب	عناصرخطابی	تعداد تکرار	درصد
صورت‌های ندایی	تو	۲۳۸	۳۳
	ضمیر تُ	۱۷۰	۲۳/۵
	ی	۲۱	۲/۹۱
	فعل امر و نهی	۷۸	۱۰/۸
	فعل دوم شخص	۱۶۶	۲۳
	لحن خطاب	۲۸	۳/۸۸
صورت‌های ندایی		۲۱	۲/۷۷
۷۲۱		۱۰۰	

نمودار ۵. توزیع درصد فراوانی عناصر خطابی

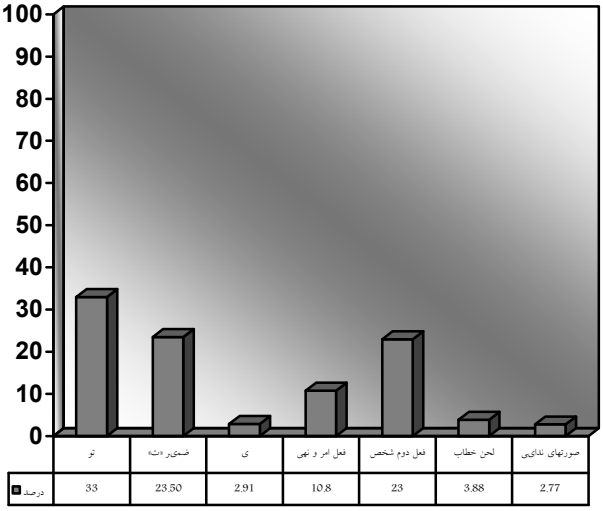

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

نتیجه‌گیری

از بررسی و تحلیل عنصر «خطاب» در غزلیات سعدی نتایج زیر به دست آمد. غزل سعدی برخلاف غزلیات بعضی غزل‌سرایان ادب پارسی، از ساخت و پیکرهٔ واحدی برخوردار است. چنین نیست که بتوان ابیات غزل را تفکیک کرد و سپس در هریک از ابیات به صورت جداگانه به جستجوی عناصر هنری، زبانی، بیانی و بلاغی پرداخت.

با توجه به روح غزل که همانا احساس و عاطفه است و نیز با درنظرگرفتن روحیهٔ عشق‌ورزی و پاک‌باختگی سعدی در این عرصه، عناصری نظیر شفافیت، روشنی و حسّ حضور به‌خوبی در شعر او تبلور یافته است. وجه ممیز او با دیگر شاعران مهاربودن زبان و شیوهٔ بیان اوست؛ به‌طوری‌که توانسته بدون آنکه موانع زبانی خللی در ابداع احساسات نزدیک و صمیمی او ایجاد کند، سراسر غزلیات خود را از آوا و رایحهٔ حضور و خطاب پُر کند.

سعدی با آگاهی کامل از نقشی که «خطاب» در ایجاد انگیزش، تحرک و شور و شوق در سراسر غزل ایجاد می‌کند، از این عنصر در سطحی گسترده استفاده کرده است. چنان‌که حدود ۷۹/۳ درصد از کل غزلیات او را غزلیات خطابی تشکیل می‌دهند. سعدی این ساخت را با استفاده از صورت‌های دستوری ضمیر منفصل «تو»، ضمیر متصل «تُ»، «ی»، فعل دوم‌شخص، فعل‌های امر و نهی، لحن خطابی و گاه به‌ندرت با استفاده از به‌کارگیری ساخت ندایی ارائه کرده است.

با توجه به اهمیتی که سعدی برای نقش انگیزشی عنصر «خطاب» قائل است، سعی می‌کند مفاهیم و کلام خود را در این قالب بیان کند. حتی آن‌گاه که روی کلام او با معشوق نباشد ترجیح می‌دهد سخن خود را با مخاطب قراردادن دیگرانی نظیر باد صبا، دل، دوستان و حتی شخص خود بیان کند تا فضای مطلوب ایجاد شود. تنها در حدود ۲۰/۶ درصد غزلیات او تقریباً (و نه کاملاً) خالی از عناصر خطاب است که آن هم

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]

غالباً به دلایل خاصی نظیر برخورداری از مفاهیم شکوه، تنهایی، غربت و... است که همواره قالب مونولوگ و تک‌گویی برای ابلاغ معنی در آن‌ها ترجیح دارد.

منابع

اقبالی، ابراهیم (۱۳۸۷) *بیان سعدی*. تبریز: آشینا.

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۴) *در سایهٔ آفتاب*. شعر فارسی و ساخت‌شکنی در شعر مولوی. چاپ دوم. تهران: سخن.

حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۳) «شگردهای هنری سعدی». *مجلهٔ شعر*. شمارهٔ ۳۷: ۳۰-۳۳.

حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۸۶) «شعر زبان سعدی و زبان شعر حافظ». *بخارا*. شمارهٔ ٤٦: ١٠٤ - ١١٥.

حمیدیان، سعید (۱۳۸۴) *سعدی در غزل*. چاپ دوم. تهران: قطره.

دشتی، علی (۱۳۸۱) *در قلمرو سعدی*. چاپ ششم. تهران: امیرکبیر.

ذکر جمیل سعدی (۱۳۷۷) مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد شیخ اجل سعدی. چاپ پنجم. جلد سوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رستگارفسایی، منصور (۱۳۷۵) *مقالاتی دربارهٔ زندگی و شعر سعدی*. تهران: امیرکبیر.

سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۰) *کلیات سعدی*. تصحیح محمدعلی فروغی. چاپ چهارم. تهران: پیمان.

عبادیان، محمود (۱۳۷۲) *تکوین غزل و نقش سعدی*. تهران: هوش و ابتکار.

لاینز، جان (۱۳۸۳) *مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی*. ترجمهٔ حسین واله. تهران: گام نو.

ـــــــ (۱۳۸۶) *زبان و زبان‌شناسی*. ترجمهٔ مرضیه ایزدپرست. شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی شیراز. ناشر همکار: آوا ندا اندیشه.

موحد، ضیاء (۱۳۷۸) *سعدی*. چاپ سوم. تهران: طرح نو.

هانری، ماسه (۱۳۶۹) *تحقیق دربارهٔ سعدی*. ترجمهٔ محمدحسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی. چاپ دوم. تهران: طوس.

[Downloaded from jpll.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1391.20.72.2.8]